

مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا

سید محمدمهدی قبولی درافشان^۱

دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

حمیدرضا دانش ناری^{۲*}

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران

علی ساعتچی^{۳*}

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده

حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۴

چکیده

اسرار تجاری نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی و رشد نظام رقابت تجاری دارد. با وجود این، یکی از چالش‌های نوین حقوق اسرار تجاری، ظهور جاسوسی‌های اقتصادی است. رشد فزاینده این نوع از جاسوسی‌ها موجب پیدایش پدیده‌ای نوظهور به نام تروریسم اطلاعاتی گشته است. از این رو، ساز و کارهای حمایتی از حقوق اسرار تجاری در دو قلمروی نظام ضمانت اجراهای مدنی و کیفری، جهت رشد نظام اقتصادی و حفظ آفرینش‌های فکری افراد، امری ضروری تلقی می‌شود. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا می‌پردازد.

ghaboli@um.ac.ir

* - نویسنده مسئول: hdanesh90@yahoo.com

A-saatchi@sbu.ac.ir

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، از یک سو، نظام حقوقی ایران در حوزه اسرار تجاری با چالش مواجه است. فقدان احکام مدنی ویژه در حوزه اسرار تجاری و تمسک به قواعد عمومی مسئولیت مدنی و جرم انگاری‌های پراکنده سرقت اسرار تجاری، بدون توجه به رویکردهای کیفرشناسانه، برخی از چالش‌های نظام حقوقی ایران، در این زمینه است. از سوی دیگر، بر اساس مطالعات تطبیقی این پژوهش، نظام حقوقی آمریکا با وضع قوانین حمایتی ویژه در قلمروی حقوق مدنی و کیفری در حوزه اسرار تجاری، به دنبال حمایت هر چه بیشتر از حقوق دارندگان این اسرار می‌باشد.

واژه‌ها کلیدی: اسرار تجاری، تروریسم اطلاعاتی، اتلاف، غضب، جرم انگاری

طبقه‌بندی JEL: K11, K13, K14, Z11

Comparative Study of Civil and Criminal Protection of Trade Secrets in America and Iranian Legal Systems

Sayed Mohammad Mahdi Qabuli Dorafshan

Associate Professor Department of Law, Ferdowsi University of Mashhad

Hamid-Reza Danesh Nari

M.A. student in Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modares University

Ali Saatchi

M.A. student in Private Law, Shahid Beheshti University

Abstract

Trade secrets has an important role in economic growth and development of economic competition. However, one of the challenges in this sphere is the emergence of economic spionag. Increasing growth of economic espionage causes to emerge a new phenomenon which is called information terrorism. So the mechanism of protection of the trade secrets in civil and criminal law is necessary for economic growth and protection of intellectual creators.

This study using analytical – descriptive, analyses protection of trade secret in civil and criminal law in the american and iranian legal systems.

Findings of this study shows that protection of trade secret in iranian legal system, is challenged. The lack of special civil rules and introduction to general principles and sporadic criminalization of trade secret theft without attention to penological approaches, are some challenges. On the other hand, according to comparative findings, the american legal system by using reasonable civil and criminal rules seeks further to support holders of trade secrets.

Keywords: trade secret, information terrorism, dissipation, usurpation, criminalization

JEL Classification: Z11, K14, K13, K11

۱. مقدمه

انقلاب صنعتی، رشد اقتصادی و پدیده جهانی شدن، موجب شکوفایی حقوق مالکیت‌های فکری گشته است. حقوق مالکیت فکری به عنوان پیشگام نسل نوین حقوق مدرن، به دو شاخه مالکیت‌های ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می‌شود. مالکیت صنعتی خود، اغلب به شکل حق اختراع، علایم تجاری و حق کپی رایت ظهور می‌یابد (Nasheri, 2005: 10).

مالکیت‌های صنعتی به ویژه در عرصه تجارت دارای اهمیت ویژه بوده و امروزه دارای انواع و مصادیق متعددی است. مالکیت صنعتی به عنوان بخشی از مالکیت‌های فکری به دنبال توسعه حمایت از اختراعات، طرح‌ها و اسرار صنعتی- تجاری است. نقش مؤثر آفرینش‌های صنعتی در رشد محصولات بومی، کاهش نرخ تورم و توسعه دیگر شاخص‌های اقتصادی، باعث اهمیت روز افزون این قلمرو حقوقی شده است. شاه کلید قدرت در جهان امروز در گفتگوها و رایزنی‌های تجاری- صنعتی نهفته است. بر همین اساس، در عصر دهکده جهانی و نظام اقتصادی باز، رقابت- های تجاری جایگزین تعارض‌های نظامی گشته است.

اما تهدید جدی علیه مالکیت‌های فکری، جاسوسی‌های صنعتی- اقتصادی (سرقت اسرار تجاری) از طریق فناوری‌های نوین، اینترنت و فرایندهای مصنوعی است. توجه به هزینه‌های فراوان سرقت اسرار تجاری و صدمات جبران ناپذیر آن بر نظام اقتصادی یک کشور لزوم حمایت از این اسرار را امری ضروری می‌انگارد. بر اساس آمار جامعه آمریکایی امنیت صنعتی، هزینه‌های جاسوسی اقتصادی و صنعتی بر تجارت ایالات متحده سالانه ۵۹ میلیارد دلار، برآورد شده است (Kitfield, 2007: 74). نتایج پژوهش مرکز ASIS^۱ نیز نشان می‌دهد که ضرر مالی ۱۰۰۰ شرکت بزرگ و ثروتمند ایالات متحده بر اثر سرقت اسرار تجاری در سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۴۵ میلیارد دلار بوده است. منبع دیگر موجود در این زمینه، گزارش سالانه کنگره آمریکاست. بر اساس آمار

1- American Society for Information Science

کنگره، هزینه جاسوسی اقتصادی سالانه در ایالات متحده، روی هم رفته، بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ بیلیون دلار است (Nasheri, 2005: 29). جاسوسی صنعتی (سرقت اسرار تجاری صنعتی) به عنوان جاسوسی حوزه صنعت، حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود. اختراعات، الگوها، وسایل، طرح‌های صنعتی، وسایل، طرح‌های صنعتی، روش‌ها و فرآیندهای مختلف حوزه صنعت، فرمول‌های صنعتی، سامانه‌های هسته‌ای و اطلاعات نظامی به عنوان آماج جاسوسی‌های صنعتی معرفی می‌شوند. جاسوسی‌های اقتصادی نیز حوزه‌های مختلفی از جمله سرقت داده‌های اقتصادی، دستیابی به میزان سود و زیان شرکت‌ها یا دولت‌ها، میزان تولید محصولات و... را در بر می‌گیرد. شیوه‌های مختلف سرقت اسرار تجاری عبارتند از: اسکن تصاویر، عکس‌برداری از طرح‌ها، استراق سمع و ایجاد خلل در تارنماهای رقیب. بنابراین، از حیث قواعد مدنی، موجودیت شرکت‌ها و صاحبان اسرار تجاری در صحنه رقابت اقتصادی، هزینه‌های تحمیل شده جهت انجام تحقیقات و دستیابی به این اسرار و منافع فراوان حاصل از اسرار تجاری ایجاب می‌نماید تا قواعد حمایتی مسئولیت مدنی از این اسرار به نحو موثری در قوانین مدنی انعکاس یابد. از این رو، پژوهش در نظام جبران خسارت نقض حقوق اسرار تجاری جهت توسعه اقتصادی، امری مهم تلقی می‌شود. اما از آن‌جا که ارتکاب جاسوسی اقتصادی عموماً توسط اشخاص متنفس صورت می‌گیرد، لزوم مداخله کیفری در این قلمرو نیز ضروری انگاشته می‌شود. مشکل دیرپای نظام‌های عدالت کیفری توجه بر جرایم خیابانی بوده است. عدم توجه نظام عدالت کیفری به جرایم خاموش موجب شده تا برخی از جلوه‌های نهان بزهکاری در نظام عدالت کیفری در سایه قرار گیرد. از این رو، سیاست جنایی علمی اقتضای آن دارد که سیاست‌گذاران عدالت کیفری در مرحله جرم‌انگاری و کیفرگذاری به جلوه‌های نهان بزهکاری از جمله سرقت اسرار تجاری توجه نمایند. جستار حاضر بر آن است تا با شناسایی مفهوم اسرار تجاری (مبحث نخست)، نظام ضمانت اجراهای مدنی (مبحث دوم) و کیفری (مبحث سوم) نقض حقوق اسرار تجاری را در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده بررسی کند، چالش‌های فراروی نظام حقوقی ایران را در این بستر مورد نقد و ارزیابی قرار دهد و از یافته‌های حقوق تطبیقی جهت پویایی نظام ضمانت اجراهای مدنی و کیفری در نظام حقوقی ایران کمک گیرد. علت بررسی نظام ضمانت اجراهای مدنی و کیفری به صورت توأمان در این مقال، به دلیل فرهنگی است که در بررسی نظام ضمانت اجراهای حقوق مالکیت فکری وجود دارد؛ بدین سان که در این حوزه، ضمانت اجراهای کیفری و مدنی به صورت یک-

پارچه بررسی می‌شوند. علاوه بر عرف موجود در حقوق مالکیت فکری، بررسی همزمان این دو نوع ضمانت اجرا، دید وسیع‌تری از این حوزه را به دست می‌دهد. افزون بر این، در برخی از قوانین موجود در حوزه مالکیت فکری، مباحث مدنی و کیفری در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند. شاهد مثال این مطلب در نظام حقوقی ایران، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ است. این قانون به عنوان یکی از قوانینی که حقوق اسرار تجاری را به رسمیت شناخته است، پس از طرح مباحث حوزه مدنی حقوق اسرار تجاری به بررسی ضمانت اجرای کیفری پرداخته است. بنابراین، یکی دیگر از دلایل بررسی همزمان این دو ضمانت اجرا، تبعیت از رویه قانون‌گذاری موجود در این زمینه است.

مبحث نخست: مفهوم اسرار تجاری

اسرار تجاری به مثابه رازهای سودزا، شامل هر فرمول، الگو، وسیله یا ترکیب اطلاعاتی است که در تجارت استفاده می‌شود و از یک سو، فرصت کسب سود را برای دارنده به ارمغان می‌آورد و از سوی دیگر، واجد وصف محرمانگی است. به اعتقاد برخی حقوق دانان، اسرار تجاری شامل هر فرمول، الگو و ابزاری است که در یک تجارت خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد (Smali and Jacobs, 2003: 103).

برخی نیز اسرار تجاری را چنین تعریف کرده‌اند: «رازی که موجب امتیازی بالقوه یا بالفعل برای دارنده آن در امر تجارت است و دارنده نیز آن را با اقدام متعارف به عنوان یک راز، نزد خود نگاه داشته است» (Gesmer, 2000: 25). به طور کلی اسرار تجاری شامل هر نوع اطلاعات فن‌اورانه است که دارای ماهیت درآمدزایی و محرمانگی است دارنده، تدابیر معقولی را جهت حفظ این اسرار را اتخاذ نموده است. بر این اساس، عناصر بنیادی اسرار تجاری به اختصار، بررسی می‌شود.

۱- رویکرد اطلاعات محور: در اوایل سال ۱۹۸۲ آیسبیل^۱ بیان داشت: «اقتصاد آمریکا در حال گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعات محور است» (Warner, 2012: 147). در دوره کنونی، رشد شاخص‌های اقتصادی بر پایه قدرت اطلاعات شکل می‌گیرد. نقش زیربنایی اطلاعات در

رشد سرمایه گذاری، پیشرفت‌های اقتصادی و عملکرد مهم آن‌ها در شاخص‌های امنیت ملی موجب شده است تا اطلاعات مختلف در نظام‌های حقوقی، مورد حمایت قانون‌گذاران قرار گیرد. آلوین و تافلر^۱ در کتاب خود «موج سوم»^۲، در بررسی تاریخ اقتصادی جهان سه موج مختلف را تحلیل کرده‌اند. این سه موج عبارتند از: موج کشاورزی، موج صنعت و موج اطلاعات (Nasheri, 2005: 97). بنابراین، می‌توان دوره فعلی را عصر اطلاعات نامید.

بر این اساس، دستیابی غیر قانونی به اطلاعات محرمانه موجب پیدایش پدیده‌ای نوظهور به نام تروریسم اطلاعاتی^۳ گشته است. از دریچه مباحث مربوط به اسرار تجاری، اطلاعات شامل هر نوع داده مالی، تجاری، علمی، فنی، اقتصادی و مهندسی است.

۲- لزوم درآمدزایی: یکی دیگر از عناصر بنیادی اسرار تجاری، ارزش اقتصادی آنهاست. بر اساس این رویکرد، تنها رویه‌هایی، اسرار تجاری تلقی می‌شوند که دارای خاصیت درآمدزایی باشند. لزوم حمایت همه جانبه از اسرار تجاری در این بستر ایجاب می‌کند تا صرف وجود استعداد درآمدزایی نیز مشمول حمایت‌های قانونی قرار گیرد.

ارزش اسرار تجاری ممکن است، بالفعل باشد مثل فرمول سرّی تولید شیشه‌های با مقاومت بالا که عملیاتی و محصول آن به بازار ارائه شده است، یا ممکن است بالقوه باشد، یعنی با آنکه اطلاعات محرمانه، هنوز در امر تولید هستند، اما این قابلیت را دارند که با به کارگیری آن‌ها، منافی را تحصیل کرد (رهبری، ۱۳۸۸: ۳۷). بنابراین، صرف برخورداری یک رویه تجاری از استعداد درآمدزایی موجب می‌شود تا این رویه، مشمول سازوکارهای حمایتی از اسرار تجاری قرار گیرد.

۳- لزوم محرمانگی: بر اساس این رویکرد، رویه‌ها و اطلاعات تجاری در شرایطی اسرار تجاری تلقی می‌شوند که جنبه پنهانی داشته باشند. لذا هر آنچه که به سادگی به دست آید، راز تجاری محسوب نخواهد شد. بر همین اساس، در نظام آمریکا و در پرونده Electro craft corp VControlled motion, inc, minneosta, 1983 (مربوط به اسرار تجاری)

1- Alvin and Toffler

2-Third wave

3- information terrorism

دادگاه اثبات محرمانگی را شرط ورود در ماهیت پرونده و صدور حکم دانسته است (Simon and Jones, 2005: 77).

در تشخیص محرمانه بودن رویه‌های تجاری می‌توان از ملاک عرفی استفاده نمود. بر اساس این ضابطه، تشخیص متعارف، ملاک تعیین‌کننده محرمانه بودن یک رویه تجاری است. بحث مهم در خصوص لزوم محرمانگی، در مباحث مربوط به ادله اثبات، متبلور می‌شود. در نظام کامن‌لا، رویه قضایی بر این امر دلالت دارد که خواننده با اثبات آشکار بودن مسئله برای همگان، می‌تواند از مسؤلیت رهایی یابد (Toutfest, 2003: 127). بنابراین در این نظام حقوقی، اصل بر سری بودن رویه‌های تجاری است و خواننده با اثبات آشکار بودن مسئله از مسؤلیت رهایی می‌یابد. با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که با پذیرش این رویه، سازوکارهای حمایتی از دارندگان اسرار تجاری به نحو مطلوب تأمین شود.

۴- لزوم اتخاذ تدابیر معقول: بر اساس این شاخص، دارنده باید تدابیر معقول جهت حفظ اسرار تجاری را اتخاذ کرده باشد. بر این اساس، اطلاعات باید به نحوی که شایسته آنهاست، حفظ شوند. از این رو، قرار دادن اطلاعات مهم تجاری و مالی در یک پایگاه اینترنتی ناامن یا ارسال آنها به وسیله سامانه‌های الکترونیکی رایگان، که هر لحظه در معرض هک قرار دارند، خارج از حد متعارف تلقی می‌شود (Simon and Jones, 2005: 27).

در نظام حقوقی ایران، در قوانین مختلف و به ویژه در توافق نامه‌های دو جانبه به بحث اسرار تجاری اشاره شده است. به عنوان مثال در ماده ۱۵ قانون موافقت نامه دولت ایران و اتریش در مسائل گمرکی مصوب ۱۳۸۳ آمده است: «در مواردی که طرف، معتقد است اجرای درخواست باعث افشای اسرار صنعتی، تجاری یا حرفه‌ای کشور می‌شود یا مغایر قوانین ملی است، می‌تواند از ارائه کمک خودداری نماید». در موافقت‌نامه حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل میان دولت جمهوری اسلامی و دولت فدرال آلمان مصوب ۱۳۸۲ و در تعریف شاخص‌های حقوق مالکیت فکری نیز به اسرار تجاری اشاره شده است.

بند ۳۲ از ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ایران مصوب ۱۳۸۴ در تعریف اطلاعات افشا نشده اوراق بهادار مقرر می‌دارد «هر گونه اطلاعات افشا نشده برای عموم مردم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اوراق بهادار مربوط می‌شود و در صورت انتشار بر قیمت و یا تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد، اطلاعات نهانی قلمداد می‌گردند.» علی‌رغم وجود قوانین فوق و استفاده پراکنده

از اصطلاح اسرار تجاری، تنها ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ تعریفی از اسرار تجاری ارائه داده است. اسرار تجاری الکترونیکی «داده پیامی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم افزارها، برنامه‌ها، ابزارها، تکنیک‌ها، تألیفات منتشر نشده، نقشه‌ها، اطلاعات مالی، روش‌های انجام تجاری، فهرست مشتریان طرح‌های تجاری و امثال اینهاست». با وجود تعریف اسرار تجاری در قانون فوق، از آنجا که قانون تجارت الکترونیک، قانون خاص است و صرفاً اسرار تجاری الکترونیکی را شامل می‌شود، می‌توان بیان داشت که در نظام حقوقی ایران تعریف جامعی از اسرار تجاری وجود ندارد و این مفهوم، در قوانین جاری کشور، به طور شفاف، به رسمیت شناخته نشده است. در نظام حقوقی آمریکا و بر اساس قانون اسرار تجاری^۱ (۱۹۶۶) اسرار تجاری عبارتست از اطلاعات شامل فرمول‌ها، الگوها، برنامه‌ها، ابزارها، روش‌ها، تکنیک یا رویه‌ای است که منافع اقتصادی را برای دارنده، چه به صورت بالقوه و چه به صورت بالفعل، به ارمغان می‌آورد و دارنده نیز تدابیر لازم را جهت حفظ اسرار تجاری، اتخاذ نموده باشد.

رشد فزاینده سرقت اسرار تجاری و نقش مهم این اسرار در پویایی اقتصادی، موجب شد تا سیاست‌گذاران نظام حقوقی آمریکا، در سال ۱۹۹۶ قانون جاسوسی اقتصادی^۲ را تصویب نمایند. این قانون، اسرار تجاری را چنین تعریف کرده است: «تمامی اشکال و گونه‌های اطلاعات مالی، علمی، فنی، تجاری، مهندسی و اقتصادی شامل الگوها، طرح‌ها، ترکیب‌ها، ابزارها، برنامه‌ها، فرمول‌ها، طرح‌ها، روش‌ها، فنون، رویه‌ها و قوانین، خواه ملموس باشند، خواه غیر ملموس و خواه به شکل نوشتاری ذخیره شده باشند یا از طریق عکاسی یا از راه سپردن به ذهن. البته این قانون نیز معتقد است دارنده باید تدابیر معقول را جهت حفظ اسرار تجاری اتخاذ نموده باشد و اسرار تجاری دارای خاصیت درآمدزایی بالقوه نیز باشند».

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این قانون به نسبت قانون اسرار تجاری، با به رسمیت شناختن گستره وسیعی از اطلاعات به عنوان اسرار تجاری از جمله اطلاعات نامرئی و فن‌آورانه، تعریف جامعی از این نهاد حقوقی ارائه داده است. از این‌رو، با توجه به یافته‌های حقوق تطبیقی، مناسب است، قانون‌گذار ایران نیز در قانونی خاص، تعریف جامعی از اسرار تجاری ارائه دهد.

1-Trade Secret Act

2-Economic Spionage Act

مبحث دوم: ضمانت اجرای نقض حقوق اسرار تجاری در پرتو حقوق مسؤولیت مدنی

در قوانین ایران، بر خلاف قانون یکنواخت اسرار تجاری آمریکا^۱، در خصوص مسؤولیت مدنی نقض حقوق اسرار تجاری مبحث خاص و مستقلى وجود ندارد. قانون تجارت الکترونیک، در این خصوص، صرفاً در مواد ۶۴ و ۷۵ به تعریف اسرار تجاری و جنبه مجرمانه موضوع، آن هم به صورت محدود، بسنده کرده است. به همین جهت، در مبحث حاضر، سعی شده است با توجه به قواعد و مبانی موجود در حقوق داخلی به بررسی مسؤولیت مدنی نقض حقوق اسرار تجاری پرداخته شود.

در مقابل، نظام حقوقی آمریکا در اولین و دومین بازخوانی قواعد راجع به مسؤولیت مدنی^۲ و قانون یکنواخت به نظام جبران خسارت نقض حقوق اسرار تجاری پرداخته است. بر اساس این دو قانون، به عنوان مهم‌ترین قوانین حمایتی این حوزه، تصاحب ناروای اسرار تجاری در رویه‌های بازرگانی موجب مسؤولیت می‌شود (Pace, 1995: 429). هم‌چنین حق بنیادی ایجاد شده در قانون یکنواخت، دارنده اسرار تجاری را مستحق جبران خسارت در قبال خسارات واقعی و بالقوه می‌داند (Kitzke, 1981: 221).

با دقت در مبانی^۳ موجود در نظام حقوقی ایران، مسؤولیت شخص ناقض حقوق اسرار تجاری در سه حوزه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر (گفتار نخست)، مسؤولیت عینی (گفتار دوم) و مسؤولیت مطلق (گفتار سوم) قابل بررسی است که در ادامه به تحلیل این موارد پرداخته می‌شود.

گفتار اول: مسؤولیت مبتنی بر تقصیر

بر اساس ماده یک قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً و یا در نتیجه بی‌احتیاطی به مال و یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارات وارده

۱- برای ملاحظه این موضوع ر.ک. به قانون یکنواخت آمریکا در بخش سوم مبحث (خسارات) Act Uniform Trade Secret از این بعد به اختصار قانون یکنواخت.

2- restatement of torts and restatement (second) of torts

۳- مبنای مسؤولیت چیزی است که مسؤولیت شخص حقیقی و یا حقوقی با آن توجیه می‌شود. ر.ک (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۲).

خواهد بود». وفق این ماده، لطمه به هر حقی موجب مسؤولیت خواهد شد و از این رو، هر کس با تقصیر، حقوق اسرار تجاری را به هر نحو نقض کند، به شرط ورود خسارت، مسؤول خواهد بود. بر همین اساس، در جاسوسی اقتصادی، شخص مرتکب که به جهت سوء استفاده از اطلاعات، موجب ایراد ضرر می شود، مسؤول تلقی خواهد شد. در نظام حقوقی آمریکا و در ماده ۷۵۷ اولین بازخوانی قواعد راجع به مسؤولیت مدنی آمده است «شخصی که اسرار تجاری را بدون کسب منفعت فاش سازد و یا از آن‌ها استفاده نماید، در شرایطی مسؤول است که: ۱- اسرار را از طرق نامشروع کسب کرده باشد. ۲- استفاده یا فاش سازی با نقض تعهد امانی همراه باشد. ۳- اسرار تجاری را از ثالثی دریافت نموده باشد، با علم به این که اطلاعات فوق، اسرار تجاری اند و نیز علم به این که ثالث از طرق نامشروع یا با نقض تعهد امانی، اطلاعات را به دست آورده است. ۴- اسرار تجاری را از شخص ثالثی دریافت نموده باشد، با علم به این که اطلاعات، اسرار تجاری است و ثالث اشتبهاً اسرار را فاش کرده است». در همه حالات فوق، شخص به نوعی مرتکب تقصیر شده است. همچنین، تعهدات امانی ناظر به حالتی است که رابطه قراردادی صریحی میان طرفین برای حمایت مستقیم از اسرار تجاری در میان نباشد (رهبری، ۱۳۸۸: ۲۱۳). اما به جهت حمایت از حقوق دارنده، چنین تعهدی به طور ضمنی حاصل می شود که در صورت نقض تعهد، مرتکب، مقصر شناخته می شود. بنابراین، به نظر می رسد که در اولین بازخوانی قواعد راجع به مسؤولیت مدنی، شخص مرتکب در صورتی مسؤول قلمداد می شود که مرتکب تقصیر شده باشد؛ امری که در نظام حقوقی ایران نیز مورد پذیرش واقع شده است.

با توجه به مطالب فوق، می توان بیان داشت که شرط تحقق مسؤولیت در این حالت، تقصیر مرتکب است. مبنای حاضر بدین جهت که از یک سو، اثبات تقصیر را شرط احراز مسؤولیت تلقی کرده است و از سوی دیگر، دارندگان اسرار تجاری در اثبات تقصیر با مشکلاتی همراهند، به نحو مساعد از حقوق اسرار تجاری، حمایت نمی کند.

گفتار دوم: مسؤولیت عینی^۱

در نظام حقوقی ایران، قاعده اتلاف و تسبیب که به ترتیب در مواد ۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی،

منعکس شده‌اند، از جمله مبانی مهم مسؤولیت عینی به شمار می‌روند. بر اساس این مبنا، صرف ورود زیان، به شرط وجود رابطه سببیت، برای مسؤول شناختن فرد، کافی خواهد بود.

ماده ۳۲۸ ق. م در خصوص قاعده اتلاف بیان داشته «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن مال خواهد بود و باید مثل یا قیمت آن را به صاحب مال بدهد». در این خصوص، مرتکب باید مال دیگری را به طور مستقیم تلف نماید. بنابراین در این حالت، اولاً باید مالی وجود داشته و ثانیاً تلف، رخ داده باشد. حال این پرسش به میان می‌آید که آیا این قاعده در خصوص نقض حقوق اسرار تجاری، دارای کارکرد است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید توجه داشت که، اسرار تجاری نیز مال به شمار می‌رود؛ زیرا تعاریف ارائه شده برای مال توسط فقها، کاملاً^۱ منطبق بر این نهاد حقوقی است.^۱ در واقع، مال هر چیزی است که عقلای جامعه در قبال آن حاضر به پرداخت عوض باشند. بنابراین، مال را نباید بر اعیان و منافع محدود نمود، بلکه حقوق مالی نیز مال، به حساب می‌آیند (خوئی، بی تا، ۴۲). از سوی دیگر، باید به قلمرو قاعده اتلاف توجه شود؛ توضیح آن که این قاعده، دارای عمومیت بوده و اتلاف هر گونه مال اعم از عین و منفعت را در برمی‌گیرد. مضافاً بر آن که اطلاق ادله قاعده اتلاف در متون فقه امامیه^۲ و ماده ۳۲۸ ق. م نیز حاکی از آن است که اعیان و منافع، مورد توجه می‌باشد.^۳

هم‌چنان که بیان شد، اسرار تجاری، محدود به فضای سایبر نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد، این امکان وجود دارد که به عنوان مثال، فرمول شیمیایی خاص در یک نوشته، لوح فشرده و... ثبت شده باشد. بدیهی است که اتلاف این موارد نیز موجب مسؤولیت می‌شود. هم‌چنین توجه به این نکته نیز مهم است که در خصوص اتلاف مال، صدق استناد عرفی اتلاف مهم است، اگر چه

۱- به عنوان نمونه: «المال ما یرغب فیہ العقلاء و یدلون بازائه شیئا». ر. ک (موسوی خوئی، بی تا، ۴۲) «أن المال کل شی یكون للناس احتیاج الیه فی تدبیر امورهم فی حیاتهم و معیشتهم». ر. ک (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹).

۲- «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» و یا عموم ادله قاعده‌ی لاضرر (نفی ضرر) و یا حدیث نبوی «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن».

۳- البته این که برخی فقها در این زمینه، مثال‌هایی را ذکر نموده‌اند که ناظر بر اعیان و منافع است، ناشی از غلبه این موارد در آن زمان می‌باشد. ر. ک. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶۲) زیرا هم‌چنان که برخی دیگر بیان نموده‌اند، مثال‌های موجود در خصوص اتلاف آن قدر فراوان است که قابل شمارش نمی‌باشند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۳۵۲).

آن مال به ظاهر تلف نشده باشد (موسوی خمینی^۱، ۱۴۱۸: ۴۱۵). شاید به همین جهت باشد که برخی از اندیشمندان فقهی معتقدند، اتلاف مال، گاه، تعلق به اصل مال دارد و گاه، به از بین بردن مالیت مال و در برخی موارد نیز ناظر به از بین بردن ملکیت مال می‌باشد^۲. لذا، همین که گفته شود، شخص، عرفاً متلف مال بوده است، برای تحقق اعمال قاعده اتلاف کافی است (کاشف الغطاء^۳، ۱۴۲۲: ۱۴). در نتیجه، اگر کارمند یا مستخدم یک شرکت به اقتضای سمت سازمانی خود به اسرار تجاری، دست یابد و بدون هیچ‌گونه قصد و تعمدی، این اسرار را فاش کند، اتلاف مال، محقق شده است و از این رو، وی می‌بایست از عهده خسارات وارده برآید؛ زیرا در این بستر، افشای اسرار تجاری به مثابه تلف، به شمار می‌رود. البته میزان خسارت، بسته به گستره انتشار اطلاعات، متفاوت خواهد بود.

اما مبنای دیگری که در کنار قاعده اتلاف، مطالعه می‌شود، قاعده تسبیب است که در ماده ۳۳۱ ق. م بیان شده است و به موجب آن، هر کس سبب تلف مالی بشود، باید از عهده خسارات وارده برآید. در خصوص این مبنا، باید توجه داشت که معیار تفکیک، میان اتلاف و تسبیب، همانا صدق عرفی تلف نسبت به شخص مرتکب است. در حقیقت، منشأ ضمان، همان اتلاف مال است. بنابراین، در تفکیک میان مباشر و مسبب، قضاوت با عرف خواهد بود. در نتیجه، صدق عرفی تلف ممکن است بر مسبب، مباشر و یا هر دو به طور مشترک بار شود (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۲۵). لذا، تسبیب نیز به نوعی مسؤولیت عینی تلقی می‌شود که در متون فقهی از آن تحت عنوان اتلاف بالتسبیب یاد می‌کنند^۴. با این حال برای آن که رابطه‌ای میان فعل و زیان وارده ثابت شود، دآوری عرف ملاک

۱- مثالی که این فقیه ارائه داده است، ناظر به حالتی است که شخصی، پرنده فرد دیگری را آزاد کند که به ظاهر امر، تلفی رخ نداده است اما عرفاً به شخص مالک زیان وارد شده است و شخص خاطی متلف قلمداد خواهد شد.

۲- «أن الإلتلاف تارة إعدام ذات المال، و أخرى إعدام المالیة كأن جعل الخلّ خمراً، و ثالثه إعدام الملكية بأن يعمل عملاً يقطع إضافته إلى صاحبه مع بقاء المال بما هو مال». ر.ک. (اصفهانی، ۱۴۱۸: ۳۳۱).

۳- «و هو إيجاد علة التلف بحيث يقال عرفاً أنه متلف للشيء».

۴- حتی برخی از فقها تمامی انواع اتلاف را به نوعی تسبیب می‌دانند با این توضیح که اتلاف در میان فقها دو نوع است: به مباشرت و به تسبیب. تمام انواع اتلاف، تسبیب هستند. الّهایه خود سبب گاهی نزدیک و گاهی دور است که به اولی مباشرت و به دومی تسبیب گفته می‌شود. در هر حال همه این‌ها موجب مسؤولیت هستند و ضابطه در این مورد اسناد عرفی اتلاف به تلف-کننده است» ر.ک. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۱۴۱) هم‌چنین برای مشاهده نظر مشابه و تایید این نظر ر.ک. (نابینی، ۱۴۱۸: ۱۷۲؛ موسوی خوئی، ۱۳۹۶: ۲۴۲).

خواهد بود.

بنابراین ملاک، همانا صحت قابلیت انتساب عرفی اتلاف به شخص مرتکب است. در نتیجه، این که برخی حقوق دانان (امامی، ۱۳۸۵: ۳۸۶-۳۸۷ و قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۲۱) بین این دو قاعده قائل به تفکیک شده‌اند و تقصیر را در تسبیب به عنوان یک عنصر مستقل به حساب آورده‌اند، صحیح به نظر نمی‌رسد. به عنوان نمونه، در مواردی که شرکت‌های رقیب، کارگران و یا کارمندان شرکت دیگر را برای افشای اسرار تجاری ترغیب و یا تطمیع می‌کنند، عرفاً می‌توانند از باب تسبیب مسؤول شناخته شوند.

طبیعی است استفاده از مسؤولیت‌های عینی مبتنی بر اتلاف و تسبیب، در مقایسه با مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، حقوق دارندگان اسرار تجاری را به گونه مطلوب‌تری تأمین می‌کند. البته بدیهی است که در این مورد نیز اثبات ضرر، یکی از شروط اصلی مسؤولیت است. این در حالی است که در برخی موارد، افراد به اطلاعات موجود در شرکت دست می‌یابند اما فرصت بهره‌برداری و یا افشای آن را پیدا نمی‌کنند. در نظام حقوقی آمریکا، هنگامی که افراد با سوءنیت به چنین اطلاعاتی دست یابند، طبق مقررات موجود، مسؤول قلمداد می‌شوند؛ حال آن‌که چنین فردی، بر اساس مبنای موجود، مسؤول نخواهد بود. به همین جهت، در حقوق ایران نیز باید در جست‌وجوی مبنای دیگری بود که بتواند در کنار مبانی تقصیر، اتلاف و تسبیب، تضمین‌کننده حقوق دارندگان اسرار تجاری به نحو مطلوب‌تر باشد. این موضوع در گفتار آتی، بررسی می‌شود.

گفتار سوم: مسؤولیت مطلق^۲

مسؤولیت مطلق ناظر بر حالتی است که رابطه سببیت میان ورود ضرر و فعل شخص، شرط ایجاد مسؤولیت نیست، بلکه صرف استیلا و در اختیار داشتن مال، بدون مجوز، ضمان را به دنبال خواهد داشت. این مبنا در حقوق ایران، تحت عنوان غصب و آن چه که در حکم آن است، مطرح می‌شود. در واقع، آن چه بر اساس این مبنا، مهم است، صدق عرفی استیلا است و عمد یا خطای متصرف در مسؤولیت او تأثیری ندارد. به همین جهت، اگر شخصی با این پندار که در مال خود و

1- Misappropriation

2- Absolute Liability

یا در مال دیگری و با اذن او تصرف می کند، اما مال موجود، متعلق به دیگری باشد، یا اذن موجود نباشد، استیلا مزبور موجب تحقق ضمان است. طبیعی است، اگر در این حالت ضرری و لو در اثر اسباب خارجی وارد شود، مسئولیت بر عهده مستولی است. ماده ۳۰۸ ق. م در همین راستا به تعریف مبنای حاضر پرداخته است که به موجب آن، غصب را استیلا بر حق غیر معرفی کرده است و اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز را در حکم غصب دانسته است. حال پرسش قابل طرح، آن که آیا اسرار تجاری قابلیت غصب و استیلا را دارند؟ در پاسخ به این مهم، باید به این نکته توجه داشت که از یک سو، استیلا مفهومی کاملاً عرفی است (مراغی^۱، ۱۴۱۷: ۴۲۶)، بنابراین برای احراز استیلا در هر مورد باید به عرف مخصوص در آن مال رجوع کرد و از سوی دیگر، از آن جا که غصب، استیلا بر حق و مال غیر است، اسرار تجاری نیز می تواند از مصادیق آن به شمار آید. اما دومین لفظی که در تعریف غصب، باید بررسی شود، متعلق استیلا است. با توجه به توضیحات، اطلاق کلمه حقوق، شامل اسرار تجاری نیز خواهد بود. به همین جهت، در سرقت اسرار تجاری، غصب این حقوق امکان پذیر است و سبب مسئولیت مرتکب خواهد شد.

در نظام حقوقی آمریکا، در دومین بازخوانی قواعد راجع به مسئولیت مدنی (که در سومین بازخوانی قواعد راجع به رقابت غیر منصفانه^۲ انعکاس یافته است) و نیز در ماده ۱(۲) قانون یکنواخت، ذیل تعریف تصاحب ناروا^۳، صرف دستیابی به اسرار تجاری به صورت نامشروع (جاسوسی اقتصادی) سبب مسئولیت شناخته شده است^۴، بدون آن که شخص مرتکب، از اطلاعات مذکور استفاده یا آنها را افشاء کرده باشد. به عبارت دیگر، چنانچه در اثر دستیابی نامشروع شخص به اسرار تجاری، ضرری متوجه دارنده، نشده باشد، این امر نیز مانع از مسئول شناختن فرد نخواهد بود. باید توجه داشت، چنانچه فرد با شیوه های مشروع به اسرار تجاری دست یافته باشد، مسئول قلمداد نخواهد شد. چنین شیوه هایی به شکل دریافت مجوز از دارنده اسرار

۱- «... لکن المراد فی الخبر بمقتضى القواعد هو الاستیلاء العرفی، و لا مدخل للشرع فی ذلك...»

2- Restatement (third) of unfair competition

3- Misappropriation

۴- البته حدود و چگونگی سوء استفاده از اسرار تجاری در تعیین میزان غرامت موثر می باشد، اما اگر مدعی صرفاً اشاره به تحصیل اطلاعات داشته باشد کافی برای تحقق این سبب خواهد بود ر.ک. (رهبری، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

تجاری، فراگیری اسرار تجاری از طریق ادبیات انتشاری، کشف این اسرار از طریق تلاش‌های فردی و مهندسی معکوس^۱ تبلور می‌یابد (Herry, 2009:21)

سؤالی که ممکن است در خصوص استیلا بر مال متعلق به دیگری (هم‌چون اسرار تجاری) در حقوق ایران مطرح شود، آن است که آیا برای تحقق ضمان بر استیلا، استقلال در استیلا شرط است؟ این پرسش از آنجا نشأت می‌گیرد که در تعریف غصب، در برخی متون فقهی، تعبیر استقلال در اثبات ید مشاهده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴۵)^۲. در پاسخ باید گفت، تعبیر مزبور بدین جهت است تا مواردی که صدق اثبات ید بر آن‌ها جاری نمی‌شود، هم‌چون منع نمودن مالک از این که از مال خود استفاده نماید، از تعریف غصب خارج شود (طباطبایی^۳، ۱۴۱۸: ۵). در نتیجه، این که شخصی به اسرار تجاری دست پیدا کند و در عین حال اطلاعات موجود در دسترس صاحب این حقوق نیز باشد، مانع از صدق عنوان غصب بر او نخواهد بود؛ مضافاً بر آن که در برخی موارد این امکان وجود دارد که صاحب اسرار تجاری، اطلاعات محرمانه هم‌چون فرمول ساخت مواد را در یک نسخه منحصر به فرد، مکتوب نموده باشد و شخصی با سرقت آن، به طور کامل بر اطلاعات استیلا پیدا نماید.

هم‌چنین باید توجه داشت هر چند صدر ماده ی ۳۰۸ ق.م از غصب سخن گفته است، لیکن ذیل این ماده اثبات ید بر مال غیر را به نحو مطلق و بدون این که نیاز به عدوان باشد، در حکم غصب قلمداد نموده است. بنابراین، می‌توان تصور کرد، فردی با سرقت اسرار تجاری، این اسرار را در اختیار ثالث قرار داده و این فرد نیز از مسروقه بودن این اسرار آگاهی نداشته است. در این فرض نیز، استیلا بر مال غیر محقق شده و ثالث مشمول قسمت دوم ماده ی ۳۰۸ ق.م خواهد بود^۴.

1-Reverse engineering

۲- «الغصب: هو الاستقلال بإثبات الید علی مال الغیر عدواناً»

۳- «و خرج بالاستقلال بإثبات الید ما لا إثبات معه أصلاً کمنعه من ماله حتی تلف...»

۴- البته شخص ثالثی که بدون علم از مسروقه بودن این اسرار به آن دست پیدا نموده باشد، می‌تواند از باب قاعده‌ی غرور به شخص سارق (غار) مراجعه نماید. حتی این قاعده می‌بایست مشمول حالتی شود که شخص ارائه دهنده اسرار تجاری، خود نسبت به مسروقه بودن این اسرار، جاهل باشد در این خصوص ر.ک (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۴۱ و بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۶۹) و (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۸۸) هم‌چنین برای ملاحظه در حقوق ایران ر.ک (بهرامی احمدی، ۱۳۸۹: ۶۶).

اما در نظام حقوقی آمریکا چنین شخصی به دلیل حسن نیت مسئول قلمداد نمی‌گردد (Yabrough, 2004:3). البته به نظر می‌رسد در فرضی که شخص ثالث با جهل به اسرار تجاری بودن اطلاعات، به آن‌ها دست یابد، استناد عرفی استیلا بر چنین وضعیتی دشوار است و شخص مذکور از این منظر مسئول نخواهد بود.

در فرض دیگر که اسرار تجاری به طور گسترده در پایگاه‌های اینترنتی در دسترس عموم افراد قرار گرفته باشد، تکلیف چیست؟ با توجه به عناصر بنیادی اسرار تجاری به خصوص لزوم محرمانگی و اتخاذ تدابیر معقول، می‌توان بیان داشت این اطلاعات، اسرار تجاری تلقی نمی‌شوند؛ زیرا اطلاعات در دسترس عموم قرار گرفته و ارزش اقتصادی خود را از دست داده است. به تبع از دست رفتن مالیت این اطلاعات، دارنده بر اساس قواعد غصب مسئول قلمداد نخواهد شد. هم‌چنین در حالتی که شخصی از باب اداره‌ی فضولی مال غیر^۱، اسرار تجاری هک شده مندرج در پایگاه اینترنتی را که هنوز جنبه عام به خود نگرفته، تصاحب کند تا از تلف شدن آن جلوگیری نماید، نه تنها مشمول قواعد غصب نخواهد شد، بلکه مستحق اجرت نیز خواهد بود. در مقابل، در فرضی که شخص با قصد احسان، اسرار مذکور را در اختیار گیرد، اما برخلاف تصور شخص، اطلاعات به طور گسترده در معرض عموم قرار گیرد و در نتیجه وصف سری بودن خود را از دست دهد، چنین شخصی، نه تنها مشمول قواعد غصب قرار نمی‌گیرد، بلکه به جهت چنین قصدی، مسئول خسارات وارده نیز نخواهد شد. البته با این شرط که اعمال او متعارف و معقول قلمداد شود^۲

با توجه به کلیات موجود در قسمت دوم ماده‌ی ۳۰۸ ق.م در نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد طرح دعوای مسئولیت مدنی بر این اساس، مناسب باشد. از این رو، این که برخی از نویسندگان (رهبری، ۱۳۸۶: ۲۲۶) در فرض تصاحب اسرار تجاری و عدم تحقق ضرر در مفهوم خاص خود،

۱- ماده‌ی ۳۰۶ ق.م «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه‌ی مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند ... مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره لازم است».

۲- برای تایید این نظر رک (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۳۰۶) اگر چه قاعده‌ای مذکور (احسان) جزء قواعد قصديه قلمداد می‌شود، اما برخی فقها برای شمول این قاعده شرط دیگری را نیز قائل هستند و آن این که از این بستر ضرری متوجه صاحب این حقوق نشود. رک (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۸) و (لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۸۸).

طرح دعوای دارا شدن بلاجهت را در حقوق ایران موجه تر می‌پندارند، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان گونه که برخی از حقوق دانان بیان داشته‌اند در دعوای دارا شدن بلاجهت، مبنای انتفاع ناروایی است که شخص از اموال و یا کار دیگری برده است و به همین اندازه نیز می‌بایست به او رجوع کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۵۸). این در حالی است که از یک سو، فرض مذکور، ناظر بر حالتی است که متصرف هیچ گونه استفاده‌ای از اسرار تجاری نکرده و از این حیث، نفعی نبرده است. از سوی دیگر، در این حالت، ضرر به مفهوم خاص خود به صاحب اسرار تجاری وارد نشده است. به علاوه، این نظر، با سازوکارهای حمایتی از حقوق اسرار تجاری هماهنگ نبوده و از این جهت، قابل تأمل است. بنابراین می‌توان بیان داشت، طرح دعوای غصب در این حالت مناسب‌تر باشد.

هر چند با توجه به مطالب فوق، می‌توان از ضمانت اجراهای مدنی در نظام حقوقی ایران، برای حمایت از حقوق اسرار تجاری استمداد جست، لیکن اهمیت اسرار تجاری و احتراز از مناقشاتی که در استفاده از موجبات ضمان در خصوص ناقضان اسرار تجاری ممکن است، مطرح گردد، ایجاب می‌کند تا هم‌چون نظام‌های حقوقی دیگر، قواعد ویژه‌ای به این امر اختصاص یابد و به موجب آن احکام ویژه حمایتی، در این راستا وضع گردد.

مبحث سوم: ضمانت اجرای نقض حقوق اسرار تجاری در پرتو حقوق کیفری

با توجه به اهمیت اسرار تجاری و نقش آن در رشد شاخص‌های اقتصادی، حمایت کیفری از اسرار تجاری ایجاب می‌کند تا از یک سو، جرم‌انگاری جامعی در این حوزه صورت پذیرد و قوانین کیفری ناظر بر جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری، چتر حمایتی خویش را بر گستره وسیعی از رفتارهای مجرمانه علیه اسرار تجاری قرار دهد. ماهیت خاص اسرار تجاری و شیوه‌های مختلف به یغما رفتن آن‌ها نیز یکی دیگر از عواملی است که لزوم جرم‌انگاری همه جانبه رفتارهای جنایی علیه اسرار تجاری را می‌طلبد (گفتار نخست). از سوی دیگر، توجه به رویکردهای کیفرشناختی و به رسمیت شناختن آن‌ها در متون قانونی جنایی موجب حمایت همه جانبه از اسرار تجاری می‌شود (گفتار دوم). بر اساس این شاخص‌ها، نظام ضمانت اجراهای نقض حقوق اسرار تجاری را در پرتو حقوق کیفری مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول: نظام جرم انگاری

با وجود رشد روزافزون و اهمیت فراوان اسرار تجاری در شاخص‌های امنیت ملی و پویایی اقتصادی، به نظر می‌رسد که عدم تعریف جامع و مانع از اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران، نظام جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری را با چالش مواجه کرده است. در ادامه، جهت تحلیل نظام جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری در نظام عدالت کیفری ایران، به بررسی قوانین موجود در این زمینه پرداخته می‌شود.

بند نخست: قانون مجازات اسلامی

بر اساس ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات (۱۳۷۵) «اطباء، جراحان، ماماها، داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۶ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». بر اساس این ماده، برنامه نویسان، متخصصان و دیگر کنش‌گران اقتصادی که به مناسبت شغل خود، محرم اسرار به شمار می‌روند، با افشای اسرار، مجرم شناخته می‌شوند. در این میان، اصطلاح اسرار به نحو مطلق آمده است و بر این اساس، اسرار تجاری را نیز در برمی‌گیرد. اما مشکل آن جاست که این ماده عام، صرفاً افشای اسرار تجاری را در برمی‌گیرد و دیگر رفتارهای جنایی علیه اسرار تجاری هم چون تصاحب، حمل، نسخه‌برداری، عکاسی، انتقال، تحویل، ارسال و تخریب را شامل نمی‌شود. دلیل این امر نیز آن است که هدف مقنن از وضع این ماده حمایت از اسرار تجاری نبوده، بلکه فلسفه این جرم‌انگاری، مقابله با افرادی است که به مناسبت شغل خود از اسرار مردم آگاه می‌شوند و آن را افشا می‌کنند. با این وصف، می‌توان به عموم ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات استناد کرد و افشای اسرار تجاری را نیز یکی از مصداق‌های ماده مزبور دانست. لیکن باید به این مهم توجه شود که این ماده صرفاً می‌تواند افشای اسرار تجاری را در برگیرد و افشاکننده نیز باید به مناسبت شغل یا حرفه خود از اسرار آگاهی پیدا کرده باشد. بر این اساس، اگر فردی خارج از روابط کاری از اسرار تجاری شرکتی آگاهی یابد و آن را فاش کند، مشمول این ماده نخواهد بود.

بند دوم : قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی

بر اساس ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۴ «هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحا به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که آنها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی مورد استفاده قرار دهد یا موجبات افشا یا انتشار آنها را در غیر موارد مقرر فراهم نمایند» به حبس تعزیری از ۳ ماه تا ۱ سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل شده، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

از آنجا که این قانون، ناظر بر اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار است، تنها رفتارهای مجرمانه علیه اسرار تجاری اوراق بهادار را شامل می‌شود و از این رو، حمایت کیفری از اسرار تجاری در این قانون، حمایت همه جانبه‌ای نیست. رفتارهای جنایی علیه اسرار تجاری در این قانون نیز تنها استفاده، افشا و انتشار را دربرمی‌گیرد. بنابراین، دیگر رفتارهای علیه اسرار تجاری هم چون خرید، دریافت، تخریب، کپی برداری و... مشمول این قانون نمی‌شود. نکته مهم دیگر در این ماده، آن است که استفاده کننده، افشا کننده یا انتشار دهنده اطلاعات نهانی، باید به مناسبت شغل و حرفه خویش از اطلاعات نهانی آگاهی یافته باشد. بر این اساس، چنانچه فردی اطلاعات نهانی اوراق بهادار را مورد استفاده قرار دهد یا نسبت به انتشار و افشای آنها اقدام نماید، لکن به مناسبت شغل یا حرفه به این اطلاعات دست نیافته باشد، مشمول این ماده نخواهد بود.

بند سوم : قانون تجارت الکترونیکی

مواد ۶۴ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ نیز ناظر بر جرم انگاری نقض حقوق اسرار تجاری است. بر اساس ماده ۶۴ این قانون «به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی، جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.» ماده ۷۵ این قانون نیز مقرر می‌دارد «متخلفین از ماده ۶۴ این قانون و هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، به منظور رقابت، منفعت یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیر مجاز، اسرار تجاری آنان را برای خود تحصیل یا برای اشخاص ثالث افشا نمایند، به حبس از

شش ماه تا دو سال و نیم، و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»

لزوم توجه به تفسیر منطقی قوانین کیفری و خاص بودن قانون تجارت الکترونیک، ما را به این نتیجه می‌رساند که نقض حقوق اسرار تجاری در این ماده، تنها ناظر بر اسرار تجاری الکترونیک است و دیگر جنبه‌های اسرار تجاری را شامل نمی‌شود. هم‌چنین در ماده ۷۵ این قانون افشا و تحصیل نامشروع باید به منظور رقابت، منفعت یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری باشد. بنابراین، چنانچه فردی بدون قصد خاص رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه‌ها، اسرار تجاری الکترونیک را برای خود تحصیل یا برای ثالث افشا نماید، مشمول این مقررات نمی‌شود. از طرف دیگر، قصد خاص رقابت، منفعت و... باید با نقض حقوق قراردادهای استخدامی همراه باشد. توجه به این قید نشان می‌دهد که این قانون ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اسرار تجاری الکترونیک را صرفاً برای مستخدمان بنگاه‌های تجاری در نظر گرفته است. از این رو، چنانچه فردی بدون وجود رابطه استخدامی، اسرار تجاری الکترونیک را برای خود تحصیل یا برای ثالث افشا نماید، مشمول این قانون نمی‌شود. دیگر خلأ موجود در حوزه جرم‌انگاری در این قانون، ناظر بر رفتارهای مجرمانه‌ای است که جهت حمایت از اسرار تجاری وضع شده‌اند. ماده ۷۵ این قانون، صرفاً تحصیل و افشای اسرار تجاری الکترونیک را مورد حمایت قرار می‌دهد، حال آنکه شیوه‌های سرقت اسرار تجاری بسیار گسترده‌تر می‌باشد.

در نظام حقوقی آمریکا قبل از سال ۱۹۹۶ پرونده‌های اسرار تجاری توسط قوانین فدرال قابل تعقیب کیفری بود؛ قوانینی که بدون در نظر گرفتن مبانی پیچیده تجارت مدرن، وضع گردیده بودند و جاسوسی اقتصادی مشمول جرم‌انگاری قرار نگرفته بود (Berg and Andorphy, 2001: 1). از این رو در آن دوره حمایت از اسرار تجاری در نظام حقوقی آمریکا مناسب تلقی نمی‌شد.

تلاش دیگر در حمایت از اسرار تجاری در نظام حقوقی آمریکا تصویب قانون فدرال کلاهبرداری رایانه‌ای^۱ بود. این قانون برای اشخاصی که با استفاده از وسایل پستی به تحصیل و افشای ناروای اسرار تجاری می‌پردازند، مجازات تا ۵ سال زندان، در نظر گرفته است

(Ryan, 1999: 362).

با وجود قانون فوق، سرقت اسرار تجاری همواره از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و الکترونیکی صورت نمی‌گیرد. فقدان جامعیت در حمایت کیفری از اسرار تجاری و رشد فزاینده جاسوسی‌های اقتصادی در آمریکا موجب شد تا قانون جاسوسی اقتصادی^۱ در سال ۱۹۹۶ تصویب شود. این قانون با جرم‌انگاری جامع، رویکرد نظام‌مندی را جهت حمایت کیفری از اسرار تجاری اتخاذ کرده است. بیل کلینتون^۲ رئیس جمهوری وقت آمریکا در حمایت از این قانون بیان داشت: این قانون از تمامی انواع تجارت موجود در ایالات متحده اعم از تجارت‌های بومی و خارجی در مقابله با پدیده جاسوسی اقتصادی حمایت می‌کند و با به کیفر رساندن بزه‌کاران، اهداف بازدارندگی را محقق می‌کند (Paulomba, 2008: 282).

قانون جاسوسی اقتصادی رفتارهای مجرمانه سرقت اسرار تجاری را چنین تعریف کرده است:
 ۱- سرقت یا تصاحب نمودن، حمل، برداشتن، پنهان نمودن، یا تحصیل از طریق خدمه و کلاهبرداری بدون اجازه مالک.

۲- نسخه برداری، کپی برداری، حمل، عکس برداری، تخریب، انتقال، تحویل، ارسال پستی و ارسال پستی الکترونیکی بدون اجازه مالک.

۳- دریافت، خرید یا مالکیت اسرار تجاری، تصاحب یا انتقال مالکیت بدون اجازه دارنده.

۴- شروع به جرم هر یک از موارد فوق.

بنابراین با بررسی اجمالی نظام جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری در نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا، به نظر می‌رسد، نظام حقوقی ایران در زمینه جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حقوق اسرار تجاری دارای خلأ قانونی است و نظام جرم‌انگاری در این حوزه با چالش‌های فراوانی مواجه است. از این رو بر سیاست‌گذاران تقنینی است تا با شناسایی دقیق مفهوم اسرار تجاری و توجه به یافته‌های حقوق تطبیقی به روزآمد نمودن نظام جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری، کمک نمایند.

1-Economical Espionage Act

2- Bill Clinton.

گفتار دوم: رویکردهای کیفرشناختی در حمایت از اسرار تجاری

علاوه بر جرم‌انگاری محدود سرقت اسرار تجاری در نظام عدالت کیفری ایران، توجه به رویکردهای کیفرشناختی نیز برخی دیگر از چالش‌های فراروی نظام حقوقی ایران در زمینه حمایت از اسرار تجاری را نشان می‌دهد. نقش مهم نظام ضمانت اجرای کیفری در پیش‌گیری از جرم موجب شده است تا مداخله‌های کیفری در حوزه حمایت از اسرار تجاری با اهداف کیفرشناسانه مجازات همراه گردد. **رویکرد دانش بنیان** در حمایت از اسرار تجاری در حوزه نظام ضمانت اجرای کیفری ایجاب می‌کند تا کیفرهای جرم سرقت اسرار تجاری جهت اعمال سیاست‌های پیش‌گیرانه، واجد وصف بازدارندگی و تناسب میان بزه و کیفر باشند.

بند نخست: بازدارندگی

در فلسفه کیفر، رویکردهای آینده محور مجازات عبارتند از: ۱- اصلاح و بازپروری^۱، ۲- ناتوان سازی^۲، ۳- بازدارندگی^۳. بازدارندگی به عنوان یکی از پارادایم‌های آینده نگر اعمال کیفر به دنبال پیش‌گیری از رفتارهای جنایی از طریق توسعه و اعمال ضمانت‌اجراهای مؤثر می‌باشد (Munice, 2001: 88). بازدارندگی به تمامی شهروندان و بزهکاران اعلام می‌کند که هزینه‌ها و درد و رنج حاصل از ارتکاب جرم به واسطه تعقیب و محکومیت، بیش از منافع حاصل از ارتکاب جرم خواهد بود. از دیدگاه فایده باورانی چون بنتام، کیفر، بدی و شر است و تنها در صورتی توجیه می‌شود که باعث پیش‌گیری از جرم گردد (Hudson, 2003: 18). چنانچه اعمال کیفر در بزهکاران مجرایم مختلف، بی‌فایده باشد، در این صورت، مجازات تنها یک بدی را به بدی دیگر می‌افزاید و از این رو، مفید تلقی نمی‌شود. اما چنانچه فرض شود که به کیفر نرساندن بزهکاران، راه ارتکاب جرایم را باز می‌گذارد، در این صورت مجازات به عنوان یک منبع امنیت خود را نشان می‌دهد. اگر به شهروندان اجازه نقض قوانین داده شود، افراد به احتمال فراوان به این سو حرکت خواهند نمود. بنابراین جهت پیش‌گیری از جرم، هر نظام حقوقی، رفتارهای مجرمانه را با کیفر

1- Rehabilitation.

2- Incapacitation.

3- Deterrence.

پاسخ می‌دهد. از این رو، مراد از بازدارندگی، اتخاذ تدابیری است که بزهدکار را از ارتکاب جرم منصرف کند. بر این اساس، دو نوع بازدارندگی در حقوق کیفری مطرح می‌شود: بازدارندگی عام و خاص که در جرم شناسی به آن پیش‌گیری کیفری عام و خاص نیز می‌گویند. از یک سو، پیش‌گیری کیفری عام، بر جنبه ارباب‌آور مجازات‌ها تکیه می‌کند و ناظر بر کل شهروندان است و مخاطب آن هم اعضا جامعه است؛ زیرا فرض بر آن است که همه شهروندان با شنیدن تهدید مجازات‌ها متنبه می‌شوند و لذا نرخ جرم کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، پیش‌گیری کیفری خاص، با مخاطب مشخص (بزهکار) به دنبال پیش‌گیری از تکرار جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۹۸۶). عوامل بنیادی بازدارندگی عبارتند از: ۱- قطعیت تعقیب و محکومیت، ۲- شدت کیفر بدین صورت که هزینه‌های ارتکاب جرم بیش از منافع آن باشد. گزاره اول ناظر بر بازدارندگی عام و خاص و گزاره دوم ناظر بر نظریه اصالت لذت جرمی بنام است. بر اساس این نظریه، بزهدکاران با سنجش هزینه‌ها و منافع حاصل از ارتکاب جرم، به سوی پدیده‌های مجرمانه گرایش پیدا می‌کنند. حال با معرفی اجمالی بازدارندگی به عنوان یکی از شاخص‌های فلسفه کیفر، این نهاد کیفری در نظام ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اسرار تجاری در حقوق کیفری ایران بررسی می‌کند. جرم‌انگاری محدود سرقت اسرار تجاری موجب می‌شود تا وصف قطعیت تعقیب و محاکمه سرقت اسرار تجاری در نظام عدالت کیفری ایران با چالش مواجه گردد. از طرفی، بر اساس کیفرهای قانونی مندرج در ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار (حبس از ۳ ماه تا ۱ سال و جزای نقدی معادل ۲ تا ۵ برابر سود به‌دست آمده) و ماده ۷۵ قانون تجارت الکترونیک (حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و تا ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی) به نظر می‌رسد که شدت کیفرها در جرم‌انگاری‌های محدود نظام عدالت کیفری ایران خفیف باشد و موجب دستیابی به اهداف بازدارندگی نشود؛ زیرا با وجود کیفرهای خفیف فوق، بزهدکاران با انتخاب عقلانی و با ارزیابی منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، به احتمال فراوان به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد. بنابراین، با وجود جرم‌انگاری‌های محدود سرقت اسرار تجاری، می‌توان بیان داشت، عناصر بنیادی بازدارندگی کیفر نیز به طور منسجم، مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. در همین راستا و در نظام عدالت کیفری ایالات متحده، از یک سو، جرم‌انگاری جامع موجب دستیابی به هدف قطعیت تعقیب و محکومیت می‌گردد و از سوی دیگر، اعمال کیفرهای سنگین در قانون جاسوسی اقتصادی (حبس ۱۰ سال و جریمه نقدی ۲۵۰ هزار دلاری برای اشخاص حقیقی و ۵ میلیون دلاری برای اشخاص

حقوقی)، بالا بردن هزینه جرم از طریق اعمال کیفرهای شدید و پربار نمودن زرادخانه کیفری بخشی از اهداف بازدارندگی را محقق می‌سازد.

بند دوم: تناسب میان جرم و مجازات

رویکرد دیگر در نظام کیفری تناسب میان جرم و مجازات است. این اصل مبتنی بر جنبش سزادهی و سزاواری عادلانه^۱ است. در نظریه سزاواری عادلانه، توجیه کیفر بر اساس استحقاق بزهکار صورت می‌پذیرد. سزادهی نیز به معنای بازگشت بدی به بزهکار و به کیفر رساندن مناسب وی است. (Hudson, 2003: 38) اصل ابتدایی در رویکردهای سزاده، تناسب مجازات با شدت جرم است. (Vonhirsch, 2000: 665) جهت برقراری تناسب میان جرم و مجازات باید درجه‌ای از مجازات‌ها موجود باشند؛ به طوری که شدیدترین جرم با شدیدترین مجازات همراه گردد. رویکردهای تناسب محور کیفر بر این اندیشه است که بزهکاران مستحق کیفر بوده، شدت مجازات بسته به شدت جرم و سرزنش‌پذیری بزهکار است. بنابراین، چنانچه فردی مرتکب جرم خفیفی گردد و به کیفرهای بدنی سخت محکوم شود، اصل تناسب رعایت نشده است. به عنوان مثال، چنانچه (الف) مرتکب جرم (ج) گردد و به کیفر (م) محکوم شود و ب مرتکب جرم (۲ ج) گردد، تناسب در صورتی محقق می‌شود که ب به کیفر (۲ م) محکوم گردد. به طور مشابه، چنانچه (الف) و (ب) مرتکب جرایم یکسان با شرایط مشابه گردند، بر اساس شاخص‌های اصل تناسب، مجازات آنها باید برابر باشد. ون هرسیج^۲ یکی از سرشناسان کیفرشناسی جهان، دو نوع از تناسب را مورد شناسایی قرار داده است: ۱- تناسب طولی، ۲- تناسب عرضی.

تناسب طولی به دنبال اعمال کیفرهای متناسب در جرایم مختلف است. (Vonhirsch, 1993: 214). تأکید این گونه، بر تمامی جرایم صرف‌نظر از ساختارهای درونی جرایم است. بر این اساس، با طبقه‌بندی جرایم بر اساس شدت آنها، شدیدترین کیفرها برای شدیدترین جرایم اعمال می‌شوند. گونه‌ای از کیفرها و جرایم بر اساس شدت، به صورت نمادین در جدول زیر نشان داده می‌شود.

1-Just Desert

2- Vonhirsch

مجازات‌ها	جرایم
۱۰ سال حبس	قتل عمد
۸ سال حبس	تجاوز به عنف
۳ سال حبس	کلاهبرداری
۱ سال حبس	جعل

در این شرایط، اگر مجازات‌ها نیز هم‌چون جرایم، به ترتیب از شدیدترین به سوی خفیف‌ترین کیفر باشند، تناسب طولی رعایت شده است. در نظام عدالت کیفری ایران، سیاست منسجمی جهت رعایت تناسب طولی مشاهده نمی‌شود. به عنوان مثال بر اساس ماده ۶۸۰ قانون تعزیرات، شکار و صید حیوانات وحشی با کیفر حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم روبرو است. نیز بر اساس ماده ۶۸۶ قانون فوق‌الذکر، قطع بیش از ۳۰ اصل درخت با کیفر ۶ ماه تا ۳ سال حبس همراه خواهد بود. اما کیفرهای در نظر گرفته شده در خصوص سرقت اسرار تجاری در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی و قانون تجارت الکترونیک به ترتیب، ۳ ماه تا ۱ سال حبس و ۶ ماه تا ۲/۵ سال حبس و جزای نقدی ۵۰ میلیون ریال می‌باشد. توجه به پیامدهای فراوان سرقت اسرار تجاری و ضربه‌های جبران‌ناپذیر آن بر پیکره اقتصادی جامعه، ایجاب می‌کند که کیفر این جرایم شدیدتر از شکار حیوانات وحشی یا قطع درختان باشد.

در تناسب عرضی تأکید بر قلمروهای مختلف یک جرم خاص و اعمال کیفرهای متناسب، در شرایط مختلف ارتکاب جرم است (ibid, 216). گونه‌های مختلف جرم سرقت و کیفرهای متناسب با آنان، به صورت نمادین در جدول زیر نشان داده می‌شود.

مجازات‌ها	جرایم
۵ سال حبس	سرقت مقرون به آزار
۴ سال حبس	سرقت اسرار تجاری
۳ سال حبس	سرقت ساده
۲ سال حبس	مداخله در اموال مسروقه

هم‌چون تناسب طولی، شرط تحقق تناسب عرضی آن است که خطوط به طور موازی یکدیگر

را قطع نمایند. به نظر می‌رسد که در نظام عدالت کیفری ایران، تناسب عرضی در خصوص جرم سرقت اسرار تجاری رعایت نشده است؛ زیرا در قانون تعزیرات، کیفر سرقت، حبس از ۳ ماه و ۱ روز تا ۲ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و نیز سرقت از مناطق سیل زده یا زلزله زده همچون جرم کیف زنی با کیفر حبس ۱ تا ۵ سال و تا ۷۴ ضربه همراه خواهد شد، اما استفاده، افشا و انتشار اسرار تجاری اوراق بهادار با حبس ۳ ماه تا ۱ سال و تحویل و افشای اطلاعات اسرار تجاری در قانون تجارت الکترونیک با حبس ۶ ماه تا ۲ سال همراه خواهد بود. بنابراین، به نظر می‌رسد که در سیاست تقنینی ایران، رویه منسجمی در خصوص رعایت اصل تناسب طولی و عرضی وجود ندارد. در همین راستا و در قانون جزای آمریکا، کیفر سرقت‌های خرد با حبس حداکثر ۱ سال با جریمه نقدی ۱۰۰۰ دلار خواهد بود. بر اساس ماده (b) ۳۲۲، ۳۲۴ قانون جزای آمریکا سرقت معادل ۵۰۰۰ دلار و کمتر با حبس حداکثر ۲ سال و جریمه نقدی ۵۰۰۰ دلار همراه خواهد بود و کیفر سرقت بیش از ۵۰۰۰ دلار حبس حداکثر ۵ سال حبس می‌باشد.

از طرف دیگر قانون فدرال کلاهبرداری رایانه‌ای، سرقت اسرار تجاری از طریق سامانه‌های رایانه‌ای را با کیفر حبس ۵ ساله پاسخ می‌دهد و در قانون جاسوسی اقتصادی، کیفر سرقت اسرار تجاری، حبس حداکثر ۱۰ سال می‌باشد. از این رو، به نظر می‌رسد که در قانون جزای آمریکا رویه معقولی در خصوص رعایت تناسب عرضی به کار گرفته شده است.

با بررسی مختصر نظام ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اسرار تجاری، به نظر می‌رسد که عدم شناسایی دقیق این مفهوم در نظام حقوقی ایران موجب شده است تا سازوکارهای حمایتی از اسرار تجاری در نظام عدالت کیفری ایران با چالش مواجه گردد. راهکار برون رفت از این وضعیت، شناسایی دقیق مفهوم اسرار تجاری و استفاده از یافته‌های حقوق تطبیقی و سازوکارهای حمایتی از این اسرار در نظام‌های حقوقی دیگر، جرم‌انگاری‌های جامع و توجه به رویکردهای کیفرشناختی در سیاست تقنینی باشد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده، به نظر می‌رسد مفهوم اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران به طور صریح و عام، به رسمیت شناخته نشده است. این مفهوم به صورت مختصر و تنها در دو قانون

تجارت الکترونیکی و قانون بازار اوراق بهادار مورد اشاره قرار گرفته است. از این رو، توجه به یافته‌های حقوق تطبیقی از جمله قانون جاسوسی اقتصادی ایالات متحده، می‌تواند به پیشرفت این مفهوم در نظام حقوقی ایران کمک نماید. در نظام حقوقی ایران، ضمانت اجرای مدنی نقض حقوق اسرار تجاری، فاقد قواعد حمایتی ویژه در این زمینه است. بر همین اساس، نظام جبران خسارت مدنی نقض این حقوق را می‌بایست بر پایه قواعد عمومی مسئولیت مدنی توجیه کرد. مبنای موجود در این زمینه از سه جنبه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت عینی و مطلق قابل بررسی است. در حالت نخست (مسئولیت مبتنی بر تقصیر) به جهت اثبات رکن ضرر و تقصیر توسط خواهان، حقوق دارندگان اسرار تجاری با چالش‌های فراوان رو به رو خواهد بود. در مسئولیت عینی، رکن ضرر شرط تحقق مسئولیت است. با وجود این، با توجه به ماهیت خاص اسرار تجاری می‌توان فروضی را در نظر گرفت که بدون ورود ضرر، حقوق دارندگان این اسرار نقض شود. مثال بارز این بیان صرف تصاحب اسرار تجاری است؛ بدون آن که ضرر در مفهوم حقیقی خود تحقق یابد. حال با توجه به قواعد عمومی موجود در مسئولیت عینی این فرض از شمول این قاعده خارج شده است؛ امری که با توجه به عمومات قاعده غصب قابل توجیه است؛ زیرا بر اساس این قاعده، صرف استیلا بر این اسرار موجب ضمان خواهد شد. بنابراین، در نظام حقوقی ایران، نقض حقوق اسرار تجاری در قالب قواعد عمومی قابل توجیه است؛ امری که حقوق دارندگان اسرار تجاری را به نحو مطلوب تأمین نمی‌کند. بنابراین، شایسته است تا با قانون‌گذاری افتراقی و توجه به قواعد حقوقی موجود در دیگر نظام‌های حقوقی، از جمله قانون یکنواخت اسرار تجاری در نظام حقوقی آمریکا، احکام حمایتی ویژه‌ای در این زمینه وضع گردد.

ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اسرار تجاری در نظام عدالت کیفری ایران نیز با چالش مواجه است. جرم‌انگاری‌های پراکنده در قانون تجارت الکترونیکی و قانون بازار اوراق بهادار مؤید این گفته است. از این رو، شایسته است در سیاست جنایی تقنینی، از یک سو، جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری به نحو مطلق (اسرار تجاری الکترونیک، اوراق بهادار، سامانه‌های هسته‌ای، شرکت‌های تجاری و...) صورت پذیرد و از سوی دیگر، رفتارهای گوناگونی از جمله خرید، فروش، حمل، تخریب، جابه‌جایی، ارسال و... محل جرم‌انگاری قرار گیرند. بنابراین، نکته قابل توجه در جرم‌انگاری سرقت اسرار تجاری، امعان نظر به رفتارهای مجرمانه گوناگون در این حوزه است. علاوه بر نظام جرم‌انگاری، توجه به رویکردهای کیفرشناختی نیز اقتضای آن دارد که

مجازات جرم سرقت اسرار تجاری واجد وصف بازدارندگی و تناسب معقول میان جرم و مجازات باشد؛ امری که به نظر می‌رسد در سیاست کیفری ایران، بدان توجهی نشده است. بنابراین، با توجه به نقش مؤثر اسرار تجاری در رشد محصولات بومی، شاخص‌های امنیت ملی، پویایی نظام اقتصادی و به طور کلی پیشرفت کشور، بر سیاست‌گذاران تقنینی است تا با قانون‌گذاری افتراقی، قواعد حمایتی ویژه‌ای (با توجه به ضوابط فوق‌الذکر) جهت حمایت از این اسرار را در دو قلمروی حقوق مدنی و حقوق کیفری، وضع نمایند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی و عربی

- [۱] اصفهانی، محمد حسین. (۱۳۸۵). حاشیه‌ی کتاب المکاسب. ج ۱، أنوار الهدی، قم، چ اول.
- [۲] امامی، سید حسن. حقوق مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ بیست و ششم، بی تا.
- [۳] بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹). القواعد الفقهیة. ج ۲، نشر الهادی، قم، چ اول.
- [۴] بهرامی احمدی، حمید. (۱۴۸۸). مسؤولیت مدنی، نشر میزان، چ اول.
- [۵] رهبری، ابراهیم. (۱۳۸۹). حقوق اسرار تجاری، تهران، سمت، چ اول.
- [۶] سبزواری، سید عبد‌العلی. (۱۴۱۳). مهذب الأحكام. ج ۲۱، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، چ چهارم.
- [۷] شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. ج ۱۲، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چ اول.
- [۸] طباطبایی حائری، سید علی. (۱۴۱۸). ریاض المسائل. ج ۱۴، مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام، قم، چ اول.
- [۹] فاضل موحدی لنگرانی، محمد. (۱۴۱۶). القواعد الفقهیة. چاپخانه مهر، قم، چ اول.
- [۱۰] قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۸). الزام‌ها و مسؤولیت مدنی بدون قرارداد، میزان، چ هشتم.
- [۱۱] قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷). مبانی مسؤولیت مدنی تهران، نشر میزان، چ پنجم.
- [۱۲] کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). وقایع حقوقی. شرکت سهامی انتشار، چ سیزدهم.
- [۱۳] کاشف‌الغطاء، محمد حسین. (۱۳۵۹). تحریرالمجله. ج ۳، طهران-قم، مکتبه‌النجاح.
- [۱۴] کاشف‌الغطاء، حسن. (۱۴۲۲). أنوار الفقاهة، کتاب الغصب. مؤسسه کاشف‌الغطاء، نجف اشرف، چ اول.

- [۱۵] محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶). قواعد فقه (محقق داماد). ج ۲، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چ دوازدهم.
- [۱۶] مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱). القواعد الفقهیه. ج ۲، مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، چ سوم.
- [۱۷] مراغی، سید میر عبد الفتاح. (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه. ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چ اول.
- [۱۸] موسوی خوئی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۳۶۶). مبانی تکمله المنهاج. ج ۲، قم، لطفی و دارالهادی، چ ۲.
- [۱۹] موسوی خوئی، سید ابو القاسم موسوی. مصباح الفقاهة (المکاسب). ج ۲، بی چا، بی تا.
- [۲۰] موسوی خمینی، سید مصطفی. (۱۴۱۸). کتاب البیع. ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چ اول.
- [۲۱] نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۸). حاشیه المکاسب (منیه الطالب). خوانساری، شیخ موسی بن محمد نجفی، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۲] نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). مجموعه تقریرات علوم جنایی. به کوشش شهرام ابراهیمی.
- [23] Ass, katja Branko. (2007). Globalization and Crime, Sage Publication, First Publication.
- [24] Gesmer, Lee t ,Protection of Trade Secret in Computer Industry, Available at www. Gesmer. Com/Publication/Tradesecrets.
- [25] Herry, Vickie, l and Clarie Laporte. (2009). A Guidebook of Technical and Business Professionals.
- [26] Hudson, Barbara. A. (2003). Understanding Justice, open University Press, First Published.
- [27] Kitfield. (2007). Corporate Crime, Spionage the Squall, Air Force Magazine for National Journal of Washington.
- [28] Kitzke, Ramon a. (1981). 64 Marq. l. Rev, in Heinonline, 1981
- [29] Munice John and Mclaughlin, Sage. (2003). Dictionary of Criminology, First Published.
- [30] Nasheri, Hedyeh. (2003). Economics Spoinageand Industrial Spying, Cambridge University Press, First Published.
- [31] Pace, Christopher Rebel, the Cases of
- [32] Paulomba, Fredrick A. (2008). Trade Show/Fair Pricy and Industrial Espionage, Journal of Convention and Event Tourism, vol9(4).
- [33] Ryan, Lamberchet. Trade Secrets and Internet, What Remedies Exists Into Disclosure in Information Age ,the Rreview of Litigation, v 18, n 2
- [34] Berg, Gabriel and Joel M. (2000). and orphy ,Criminal Prosecution of Trade Secret Theft, the Houston Lawyer, v 38, n 1.

-
- [35] Simon and Jones. (2005). Crimes and Criminals, How to Avoid Being Victim or Perpetrator the Computer and Internet Lawyer Journal, v 22, n1.
- [36] Smail and Jacobs. (2003). Counteracting Global Industrial Spionage: a Damage Control Strategy, Business and Society Review Journal, v108.
- [37] Tautfest, Evis S. (1993). Criminal Law, Fifth Edition, Butterworths.
- [38] Von Hirsch. (1993). Andrew, a Commensurability and Crime Prevention: Evaluating Formal Sentencing Structures and Their Rationale , the Journal of Criminal Law and Criminology , v 27.
- [39] Von Hirsch. Andrew. (1998). Penal Theories , in the Handbook of Crime and Punishment Edited by Micheal Tony , Oxford University Press.
- [40] Yabrough, Robert. (2004). trade Secret Law in Pensilvania, Yabroughlaw. Com.